



## نقش حکمرانی خوب در ارتقای فرهنگ زیست محیطی شهروندان در کرمانشاه

\*علی مرادی<sup>1</sup>، نجات محمدی<sup>2</sup>

1- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد

غرب، کرمانشاه، ایران

2- نجات محمدی فر، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اردکان

؛

\*نویسنده مسئول: moradi.pop@gmail.com

### چکیده

هدف اصلی این مطالعه نقش حکمرانی خوب در ارتقای فرهنگ زیست محیطی شهروندان کرمانشاه می‌باشد. این پژوهش با رویکرد کمی و تکنیک پیمایشی انجام گرفت. جامعه آماری افراد 20 سال به بالای شهر کرمانشاه است؛ که در مناطق هشت‌گانه شهر ساکن هستند بر اساس آمار سال 95 معادل 634132 نفر بوده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که تعداد 384 نفر به دست آمد. برای گردآوری داده‌های مورد نظر از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده به عمل آمد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که شاخصه‌های حکمرانی خوب؛ پاسخگویی ( $r=31/0$ )، حاکمیت قانون ( $r=31/0$ )، میزان شفافیت ( $r=31/0$ )، مشارکت عمومی ( $r=27/0$ )، کنترل فساد ( $r=38/0$ ) و اثربخشی دولت ( $r=19/0$ ) تأثیر معناداری بر ارتقای فرهنگ زیست محیطی دارد. نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که حکمرانی خوب، میزان 16 درصد بعد آگاهی فرهنگ زیست محیطی، 30 درصد بعد نگرش، 40 درصد بعد رفتاری و 35/0 درصد از تغییرات درونی کل متغیر وابسته یعنی فرهنگ زیست محیطی در شهر کرمانشاه را تبیین می‌نمایند.

**کلمات کلیدی:** حکمرانی خوب، دانش زیست محیطی، نگرش زیست محیطی، رفتار زیست محیطی.

### مقدمه

نگاه مسئولانه و توجه ویژه به مسائل زیست محیطی از نشانه‌های شاخص بسیاری از جوامع در قرن بیست و یکم است؛ تأکید و توجهی که در بیشتر نهادها، سازمان‌ها و شهروندان نسبت به محیط زیست مشاهده می‌شود، نشان از فزونی مخاطرات زیست محیطی و نگرانی‌های موجود نسبت به پیامدهای آن دارد. صاحب‌نظران در حوزه محیط زیست معتقدند کیفیت محیط زیست و کنترل مؤثر مسائل زیست محیطی به سیاست‌گذاری حکومت‌ها و در نتیجه ارتقای فرهنگ زیست محیطی شهروندان وابسته است. بنابراین مشکلات زیست محیطی متنوعی که امروزه با آن‌ها مواجهیم همانند گرم شدن تدریجی زمین و تغییرات آب و هوایی، آلودگی هوا، کمبود آب، کاهش منابع طبیعی و نابودی تنوع اکوسیستمی در جهان، ریشه در فرهنگ و در نتیجه رفتار بشری دارند (Rashid & Mohammad, 2012: 350؛ عباس‌زاده و همکاران، 1395: 81). پژوهش‌گران بر این باورند که رفتار مسئولانه زیست محیطی حکومتگران و شهروندان، یکی از عناصر کلیدی در



فرایند توسعه پایدار جوامع مدرن و در حال توسعه است (Salehi, Dunlap et al., 2000: 430). یزدخواستی و همکاران، 1392؛ ضیاءپور و همکاران، 1391).

زمانی مسئله محیط زیست در برنامه‌های حکومت در جهان در حال توسعه در حاشیه بود و چندان مورد توجه جدی قرار نمی‌گرفت؛ اما امروزه در دستورکارهای ملی دولت‌ها در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا اهمیتی فزاینده پیدا کرده است. این تغییر در نتیجه عواملی همچون فشار نهادهای جهانی، کمک‌کنندگان بین‌المللی و جنبش‌های مدنی شهروندان پدید آمده است. با این حال مسائل زیست محیطی هنوز در برنامه کشورهای در حال توسعه جایگاهی مطمئن نیافته‌اند در بسیاری از مناطق جهان، مسائل زیست محیطی در روندهای عمده تصمیم‌گیری جایگاهی در خور ندارند و پیوند لازم میان این گونه مسائل با برنامه‌های گسترده‌تر اقتصادی و اجتماعی برقرار نشده است. ضمن اینکه مسائلی که اولویت بیشتری در اکثر کشورها دارند؛ ممکن است مسائل و نگرانی‌های زیست محیطی را به حاشیه برانند (برنل و رندال، 1396: 262).

از آنجا که بسیاری از فرایندهای توسعه به تخریب محیط زیست منجر می‌شوند و به جهانی نامشخص منتهی می‌شوند. نیاز به پرداختن به چالش‌های ناشی از تخریب محیط زیست در مقیاس جهانی بیش از هر زمان دیگری ضروری است، در چنین شرایطی، نگرانی نسبت به دولت و شیوه حکمرانی آن نیز افزایش یافته است (Sahni and Medury, 2002: 1). در نتیجه در دهه‌های اخیر فشارهای فزاینده بر دولت‌ها برای محافظت از محیط زیست شدت یافته است. از دیدگاه برخی از اندیشمندان حفاظت و بهبود محیط زیست تنها در چارچوب حکمرانی خوب می‌تواند انجام شود (Harman, 2005: 5). از این منظر، حکمرانی خوب به فرایندهای سیاسی، نهادی و نتایجی مربوط می‌شود که برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار ضروری تلقی می‌شوند. با این وجود، به نظر می‌رسد که اصطلاح توسعه پایدار بیشتر مربوط به پایداری محیط زیست است. به گفته جنکینز<sup>1</sup>، حکمرانی

خوب مجموعه‌ای از تصمیمات مرتبط با یکدیگر است که توسط یک بازیگر سیاسی یا گروهی از بازیگران در مورد انتخاب اهداف و وسایل دستیابی به آن‌ها در یک شرایط مشخص گرفته می‌شود که اصولاً این تصمیمات باید در چارچوب قدرت این بازیگران باشد (Kabeer, 2002: 1). حکمرانی خوب یک فرایند ارزش محور است (Sahni & Medury, 2002) که به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی، اعتقادات یا هنجارهای حاوی قانون، مشارکت، صداقت و پاسخگویی تعریف شده است (Licht et al., 2007).

بسیاری از کشورها نشان داده‌اند که حکومت‌های آن‌ها نگرانی کافی برای حفظ سیستم‌های طبیعی و کیفیت محیط زیست نشان نداده است. فرایندهای توسعه در این کشورها از بسیاری جهات محیط زیست را تهدید می‌کنند. در این شرایط، دولت‌ها برای دستیابی به تعهدات و اهداف زیست‌محیطی به یک حکومت خوب نیاز دارند (UNEP, 2009). هرمان (2005) با پیوند دادن حاکمیت به محیط زیست، معتقد است حکمرانی خوب به معنای شیوه تصمیم‌گیری برای ارتقاء توسعه پایدار، شامل حفاظت از محیط زیست است (Harman, 2005: 5). با فرض اینکه توسعه پایدار، هدف کلی باشد، باید اصول حاکمیت خوب در کلیه قوانینی که در مورد محیط زیست، اقتصاد و توسعه اجتماعی یک کشور اعمال می‌شود یکپارچه شود (Harman, 2005: 7). با این حال، شیوه‌های اصول حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته متفاوت است زیرا فرهنگ سیاسی و به تبع آن فرهنگ زیست محیطی در هر زمینه متفاوت است. فرهنگ نقش مهمی در شکل‌دهی ترجیحات ما به سمت محیط زیست ایفا می‌کند و پتانسیل قابل توجهی برای تأثیرگذاری بر محیط زیست دارد (Schumacher, 2015: 7). به طور خاص، لیتون، فرهنگ زیست محیطی را به عنوان مجموعه دانش، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری اعضای یک جامعه خاص نسبت به محیط زیست تعریف می‌کند (Linton, 1963: 466). در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، حکمرانی ضعیف با پیامدهای منفی زیست محیطی ارتباط دارد و با بیماری‌های اجتماعی مانند فساد، محرومیت اجتماعی و عدم اعتماد به مقامات ارتباط نزدیکی دارد. از طرف

<sup>1</sup> - Jenkins



دیگر، کشورهای توسعه یافته پتانسیل تنظیم و اجرای سیاست‌های سالم از نظر زیست محیطی را دارند، به همین ترتیب، افراد و جوامع را به سمت تولیدات و استفاده پایدار از محیط سوق می‌دهند (Wingqvist 12: 2012). بنابراین در این جوامع فرهنگ سیاسی توسعه یافته‌ای وجود دارد که منجر به موفقیت آن‌ها می‌شود. نظام‌های سیاسی آن‌ها غالباً دموکراسی‌های لیبرال هستند که امکان نفوذ بازیگران غیردولتی در فرایند سیاست و پایبندی به سایر اصول دموکراتیک مانند پاسخگویی به تصمیمات دولت را فراهم می‌کنند (McTavish et al., 2013: 10). به ویژه مقامات دولتی نسبت به آنچه انجام می‌دهند پاسخگو هستند. به عنوان مثال، نروژ دارای یک وزارتخانه در سطح کابینه با مسئولیت ویژه در مورد مسائل زیست محیطی است. این وزارت در قبال اقدامات خود پاسخگو است و به تصمیم‌گیری در مورد پایداری محیط زیست در کشور کمک می‌کند. اما از آنجایی که انتخاب‌های دشوار بین رشد اقتصادی و ملاحظات زیست محیطی یک واقعیت سیاسی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه است این امر، فرایند پاسخگویی را دشوار یا غیرممکن می‌سازد (Kakonge, 1998: 299). هنگامی که دولت در قبال شهروندان خود پاسخگو نیست و با بروکراسی‌های ناکارآمد و نهادهای ضعیف قادر به تدوین و اجرای سیاست‌های خود نیست یا تمایلی به اجرای آن ندارند (Gisselquist, 2012: 1). در این شرایط، حفاظت از محیط زیست جهت توسعه پایدار در بسیاری از کشورهای در حال توسعه سخت شده است. همچنین در کشورهای توسعه یافته شفافیت و صداقت در عملکرد دولت نیز وجود دارد؛ رسانه‌های جمعی نقش فزاینده‌ای در افشای موارد نقض قوانین و مقررات زیست محیطی، ارائه داده‌ها و اطلاعات زیست محیطی به مردم و گزارش‌دهی از بودجه اختصاص یافته به محیط زیست و قسمت‌های آلودگی و حوادث در این کشورها دارند (OECD, 2005: 521). شفافیت اطلاعات در مورد مسائل زیست محیطی با استفاده از رسانه‌ها، در بسیاری از کشورهای پیشرفته مانند نروژ، سوئد و دانمارک حاصل شده است (Kakonge, 1998: 297). با این حال، به گفته چن<sup>1</sup> (2011) شفافیت به خودی خود کافی نیست و باید با مشارکت ذینفعان توانمند ترکیب شود. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، سیاست‌ها، شیوه‌ها و نهادهای زندگی سیاسی اکثریت شهروندان را از مشارکت کامل در تصمیم‌گیری عمومی محروم می‌کنند (Belbase, 2010: 7). در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، جامعه از کارهایی که دولت انجام می‌دهد آگاهی دارد و آن‌ها دولت و تصمیم‌گیرندگان را وادار می‌کنند تا بر توسعه محیطی سالم متمرکز شوند. چنین مشارکت گسترده‌ای مبتنی بر آزادی اجتماعات و گفتار و همچنین ظرفیت‌های مشارکت سازنده در این کشورها است. اما در کشورهای در حال توسعه این مسئله نیز با چالش مواجه است. بنابراین به دلیل وجود حکومت‌های غیر مسئول و غیرپاسخگو، تخریب محیط زیست در این جوامع افزایش یافته است.

در زمینه پژوهش حاضر مطالعات زیادی به وسیله محققان داخلی و خارجی صورت گرفته است. علیزاده و بیات (1395) در تحقیقی نشان دادند که شاخص حکمرانی که کیفیت نهادهای عمومی یک کشور و توانمندی دولت در انجام وظایف محوله را نشان می‌دهد بر میزان انتشار گازهای CO<sub>2</sub> که معرف وضعیت محیط زیست هستند مؤثرند. نتایج تحقیق لشکری زاده و اشرفی (1390) نشان می‌دهد که بهبود شاخص‌های حکمرانی شکاف بین مردم و دولت را در مورد مسائل زیست محیطی کاهش داده و اثر دو شاخص قدرت پاسخگویی و حاکمیت قانون در کم کردن شکاف و در نتیجه کاهش آلودگی‌های هوا از سایر شاخص‌های حکمرانی بیشتر است. داؤد<sup>2</sup> (2019) در پژوهشی یکی از شناخته شده‌ترین ابزارها برای مقابله با پیامدهای زیست محیطی ناشی از توسعه را حکمرانی خوب می‌داند. بنت و ساترفیلد<sup>3</sup> (2018) حاکمیت را یکی از مهمترین عوامل برای اطمینان از اقدامات مؤثر در زمینه مدیریت و حفاظت از محیط زیست می‌دانند. به همین ترتیب محققان

<sup>1</sup>-Chene

<sup>2</sup>- Dhaoui

<sup>3</sup>- Bennett & Satterfield



دیگری حکمرانی را یکی از مهم‌ترین عوامل در فعال کردن یا تضعیف کارآیی حفاظت و مدیریت محیط زیست دانسته‌اند (Armitage et al., 2012; Lockwood et al., 2010; Ostrom, 1999).

### مواد و روشها

به اقتضای موضوع پژوهش و با توجه به امکانات، روش پیمایش به‌منزله مناسب‌ترین روش برای جمع‌آوری داده‌ها مورد نظر قرار گرفت. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل افراد 20 سال به بالای شهر کرمانشاه است. که در مناطق هشت گانه شهر ساکن هستند بر اساس آمار سال 95 معادل ۶۳۴۱۳۲ نفر بوده است. در این تحقیق از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است؛ که تعداد 384 نفر به دست آمد. روش نمونه‌گیری، تصادفی خوشه‌ای بود؛ با توجه به این که جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش همگن نمی‌باشد، به ناچار باید در ابتدا جامعه آماری تقسیم شود و از درون هر قسمت نمونه‌ای مناسب انتخاب گردد. بدین طریق که در هر منطقه، نشانی خیابان‌ها مشخص شده و سپس از بین آن‌ها نمونه‌گیری صورت می‌گیرد. در هر خیابان نیز از بلوک‌ها به شیوه نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند و از بین خانه‌ها و افراد خانه نمونه‌گیری تصادفی ساده به عمل می‌آید. در هر منطقه برای افزایش دقت، تعداد بیشتری پرسشنامه نسبت به تعداد تعیین شده جمع‌آوری می‌شود و در نهایت حجم نمونه به 400 نفر افزایش پیدا می‌کند.

با توجه به ماهیت موضوع تحقیق و مفاهیم و متغیرهای آن، داده‌های موردنیاز تحقیق از طریق تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه حضوری به روش میدانی جمع‌آوری شده است. برای توصیف و تحلیل داده‌ها با به‌کارگیری نرم‌افزار آماری SPSS از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در تحقیق حاضر برای اطمینان از اعتبار ابزار سنجش، با بهره‌گیری از نظرات داوران متخصص در حوزه موضوع تحقیق، ابتدا اعتبار صوری سؤالات پرسشنامه سنجیده شد. علاوه بر استفاده از نظرات متخصصان، تلاش خواهد شد تا در طراحی سؤالات پرسشنامه از سؤالات مشابهی که در تحقیقات دیگر استفاده شده‌اند، بهره گرفته شود. در تحقیق حاضر برای اطمینان از پایایی پرسشنامه، روش آلفای کرونباخ، مورد استفاده قرار گرفت که بر این اساس از میزان قابل قبولی برخوردار بودند. در زیر به تعریف عملیاتی متغیرها پرداخته می‌شود:

متغیر وابسته (فرهنگ زیست محیطی): در این پژوهش با توجه به این که فرهنگ زیست محیطی دارای محدوده وسیعی می‌باشد، لذا برای تحدید مسئله به بررسی ابعاد مهم فرهنگ زیست محیطی (دانش، نگرش، رفتار) اشاره می‌شود. دانش زیست محیطی: به معنای میزان اطلاعات فرد در مورد مسائل زیست محیطی و عوامل مؤثر در گسترش آن و شناخت از چگونگی رفتار، جهت بهبود این معضلات است. از نظر عملیاتی، دانش زیست محیطی شامل 5 مولفه (بازیافت با 5 گویه، مصرف بهینه آب با 5 گویه، آلودگی هوا با 5 گویه، گونه‌های زیست محیطی با 7 گویه و ریزگردها با 5 گویه) در مجموع این مولفه با استفاده از 27 گویه بر روی مقیاس 5 درجه‌ای لیکرت تنظیم شده‌اند.

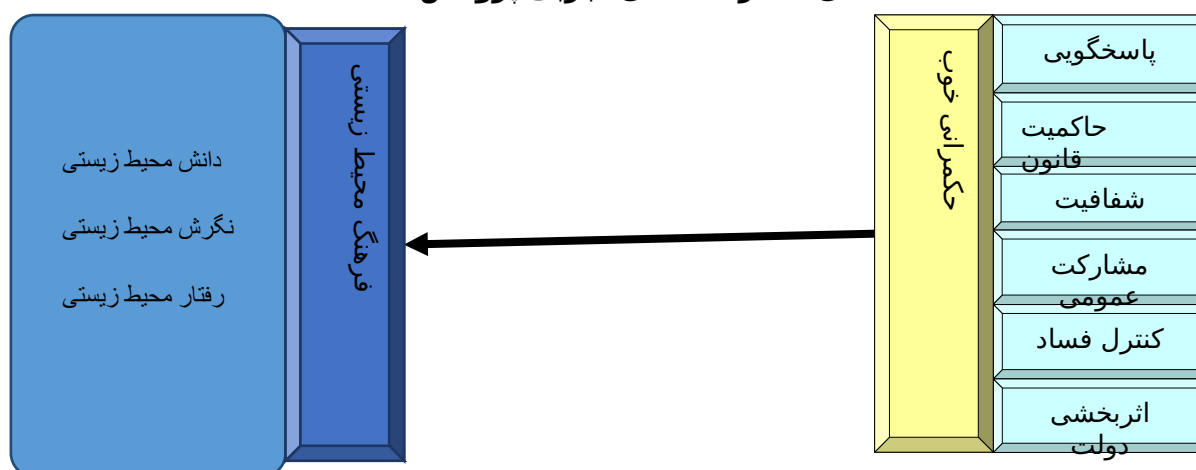
نگرش زیست محیطی: برای سنجش و اندازه‌گیری این مفهوم از 25 گویه در قالب 5 بُعد (محدودیت رشد با 5 گویه، مخالفت با انسان محوری با 5 گویه، شکنندگی تعادل طبیعت با 7 گویه، رد ایده معافیت بشر با 5 گویه و ریزگردها با 3 گویه) سنجیده شدند. برای سنجش این متغیر، از پاسخگویان خواسته می‌شود تا نگرش خود را در مواردی نظیر دوام ساکنان زمین در مقابل مسائل زیست محیطی، ایجاد نتایج فاجعه‌بار در نتیجه دخل و تصرف انسان در محیط زیست، تبدیل زمین به جای غیرقابل زندگی، استفاده بیش از حد انسان از محیط زیست، محدود و غیرقابل بازگشت بودن منابع موجود در زمین و لزوم هماهنگی انسان با طبیعت جهت بقا، ابراز نمایند.

رفتار زیست محیطی: رفتار زیست محیطی در چهار مولفه (مصرف بهینه انرژی با 5 گویه، مصرف بهینه آب با 5 گویه، حوزه آلودگی هوا با 6 گویه، زیست محیطی بازیافت با 5 گویه، زیست بوم محلی 3) شامل 24 گویه رفتاری است که تکرار و فراوانی آن از سوی



افراد را شامل می‌شود. از رفتارهایی نظیر خاموش کردن بخاری اتاق، کم کردن درجه آب‌گرم‌کن، استفاده از لباس گرم‌کن، علاقه و شرکت در برنامه‌های زیست‌محیطی و جمع‌کردن زباله‌ها در طبیعت و غیره برای سنجش این متغیر استفاده شده است. متغیر مستقل (حکمرانی خوب): این متغیر در قالب شش شاخص (پاسخگویی، حاکمیت قانون، شفافیت، مشارکت عمومی، کنترل فساد، اثربخشی دولت) استفاده از 5 گویه بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت سنجیده شده است. مدل تجربی زیر ارتباط این متغیرها را با هم نشان می‌دهد.

مدل شماره 1: مدل تجربی پژوهش



### نتایج و بحث

جدول شماره 1 نشان دهنده توزیع ابعاد سه‌گانه فرهنگ محیط زیستی و حکمرانی خوب است. میانگین نمره فرهنگ محیط زیستی برابر با 799/180 است که در مقایسه با میانگین مورد انتظار (228) پایین‌تر است. میانگین فرهنگ محیط زیستی برای افراد از میانگین مورد انتظار پایین‌تر می‌باشد. این نتایج برای حکمرانی خوب با میانگین 66/78 در مقایسه با میانگین مورد انتظار (90) پایین‌تر است. می‌توان گفت که فرهنگ محیط زیستی و همچنین حکمرانی خوب در جامعه پایین‌تر از سطح مورد انتظار جامعه است و به عبارتی می‌توان گفت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب و مورد انتظار فاصله زیادی دارد.

جدول 1: توزیع میانگین فرهنگ محیط زیستی و حکمرانی خوب در جامعه مورد مطالعه

| بازه زمانی       | نام متغیر              | میانگین واقعی | میانگین مورد انتظار |
|------------------|------------------------|---------------|---------------------|
| فرهنگ محیط زیستی | بُعد آگاهی محیط زیستی  | 69/50         | 81                  |
|                  | بُعد نگرش محیط زیستی   | 04/72         | 75                  |
|                  | بُعد رفتاری محیط زیستی | 06/58         | 72                  |
| حکمرانی خوب      | کل فرهنگ محیط زیستی    | 799/180       | 228                 |
|                  | پاسخگویی               | 005/13        | 15                  |
|                  | حاکمیت قانون           | 48/15         | 15                  |
|                  | شفافیت                 | 00/12         | 15                  |
|                  | مشارکت عمومی           | 70/13         | 15                  |
|                  | کنترل فساد             | 40/10         | 15                  |
|                  | اثربخشی دولت           | 005/14        | 15                  |



دومین همایش ملی راهبردهای مدیریت منابع آب و چالشهای زیست  
محیطی  
ساری- 8 خرداد 1399



جدول 2 ماتریس همبستگی بین فرهنگ محیط زیستی با حکمرانی خوب را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های به دست آمده، حکمرانی خوب با فرهنگ محیط زیستی ( $r=03/0$ ) رابطه معناداری دارد. نتایج نشان می‌دهد که حکمرانی خوب و فرهنگ محیط زیستی در بُعد آگاهی ( $r=22/0$ ) نگرش ( $r=28/0$ ) و رفتاری ( $r=31/0$ ) دارای رابطه معنادار می‌باشد.

**جدول 2: ماتریس همبستگی بین فرهنگ محیط زیستی و ابعاد آن با حکمرانی خوب و ابعاد آن**

| ضریب همبستگی پیرسون | بعد آگاهی | بعد نگرش | بعد رفتار | فرهنگ محیط زیستی |
|---------------------|-----------|----------|-----------|------------------|
| میزان پاسخگویی      | همبستگی ی | 31/0     | 33/0      | 31/0             |
| حاکمیت قانون        | همبستگی ی | 22/0     | 31/0      | 31/0             |
| میزان شفافیت        | همبستگی ی | 31/0     | 34/0      | 31/0             |
| مشارکت عمومی        | همبستگی ی | 27/0     | 18/0      | 27/0             |
| کنترل فساد          | همبستگی ی | 28/0     | 32/0      | 38/0             |
| اثربخشی دولت        | همبستگی ی | 19/0     | 14/0      | 19/0             |
|                     | معنادار ی | 001/0    | 010/0     | 001/0            |

برای اندازه‌گیری تأثیر متغیر حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن بر میزان فرهنگ محیط زیستی از رگرسیون چندگانه نیز استفاده شد. نتایج نشان می‌دهند که چهار معادله رگرسیونی برای فرهنگ محیط زیستی و ابعاد آن (آگاهی، نگرش و رفتار) بیان شده است. نتایج نشان می‌دهد که حکمرانی خوب با مقدار بتای 16/0 تأثیر معناداری بر روی فرهنگ محیط زیستی دارد؛ به این معنا که میزان 16 درصد بعد آگاهی فرهنگ زیست محیطی، توسط حکمرانی خوب تبیین می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که 30 درصد بعد نگرش، 40 درصد بعد رفتاری و 35/0 درصد از تغییرات درونی کل متغیر وابسته یعنی فرهنگ زیست محیطی در شهر کرمانشاه توسط حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن تبیین می‌شوند.



**جدول 3: تحلیل تأثیر حکمرانی خوب جهت پیش‌بینی متغیر وابسته (میزان فرهنگ محیط زیستی) و ابعاد آن**

| مدل 1:                                    | نام متغیر   | B    | Beta | t-test | ...Sig | R <sup>2</sup> | F    | .Sig  |
|-------------------------------------------|-------------|------|------|--------|--------|----------------|------|-------|
| بعد دانش                                  | حکمرانی خوب | 79/0 | 16/0 | 066/3  | 002/0  | 16/0           | 40/9 | 000/0 |
| Durbin-Watson= 64/1      Constant 96/56=  |             |      |      |        |        |                |      |       |
| مدل 2:                                    | نام متغیر   | B    | Beta | t-test | ...Sig | R <sup>2</sup> | F    | .Sig  |
| بعد نگرش                                  | حکمرانی خوب | 84/0 | 26/0 | 17/5   | 000/0  | 30/0           | 38/2 | 000/0 |
| Durbin-Watson= 80/1      Constant 13/47=  |             |      |      |        |        |                |      |       |
| مدل 3:                                    | نام متغیر   | B    | Beta | t-test | ...Sig | R <sup>2</sup> | F    | .Sig  |
| بعد رفتاری                                | حکمرانی خوب | 24/1 | 40/0 | 62/8   | 000/0  | 40/0           | 70/4 | 000/0 |
| Durbin-Watson= 94/1      Constant 38/47=  |             |      |      |        |        |                |      |       |
| مدل 4:                                    | نام متغیر   | B    | Beta | t-test | ...Sig | R <sup>2</sup> | F    | .Sig  |
| فرهنگ محیط زیستی                          | حکمرانی خوب | 34/2 | 35/0 | 21/7   | 000/0  | 35/0           | 01/5 | 000/0 |
| Durbin-Watson= 78/1      Constant 72/149= |             |      |      |        |        |                |      |       |

### نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش نقش حکمرانی خوب در ارتقای فرهنگ زیست محیطی شهروندان در کرمانشاه بود. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که حکمرانی خوب و شاخص‌های آن، همبستگی معناداری با ارتقا فرهنگ زیست محیطی شهروندان (در ابعاد دانش، نگرش و رفتار زیست محیطی) دارد. این نتیجه با مطالعات علیزاده و بیات (1395)، لشکری‌زاده و اشرفی (1390)، داوی (2019)، بنت و ساترفیلد (2018) همخوانی دارد. این مطالعات به طور کلی حکمرانی خوب را یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در زمینه مدیریت و حفاظت از محیط زیست می‌دانند. نتیجه پژوهش حاضر همچنین بر مبنای مباحث نظری آن نیز قابل تفسیر می‌باشد. هرمان (2005) با پیوند دادن حاکمیت به محیط زیست، معتقد بود حکمرانی خوب به معنای شیوه تصمیم‌گیری برای ارتقاء توسعه پایدار، شامل حفاظت از محیط زیست است. از دیدگاه شوماخر (2015) فرهنگ نقش مهمی در شکلی‌دهی ترجیحات ما به سمت محیط زیست ایفا می‌کند و پتانسیل قابل توجهی برای تأثیرگذاری بر محیط زیست دارد.

به طور کلی می‌توان گفت دستیابی به توسعه پایدار، هدف حکمرانی خوب در بسیاری از کشورهای جهان است. عملکرد اصول حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته در زمینه مسائل زیست محیطی متفاوت است زیرا فرهنگ زیست محیطی در آن‌ها متفاوت است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، حکمرانی ضعیف با پیامدهای منفی محیط زیست ارتباط دارد. با این حال، بسیاری از کشورها سعی در کاهش اثرات زیست محیطی در روند توسعه دارند. حتی اگر چالش‌ها و محدودیت‌هایی همچون عدم وجود ساختار قانونی تعریف شده، گزارش‌های ضعیف، عدم شفافیت در اطلاع‌رسانی، عدم پاسخگویی متخصصان و مشارکت ناکافی مردم برای اجرای آن وجود داشته باشد. بنابراین حاکمیت خوب زیربنای توسعه صحیح محیط زیست را فراهم نموده و به همین ترتیب آن را در سطح جهان ارتقا می‌دهد. حکومتی که بتواند آموزش‌های لازم را در زمینه دانش، نگرش و رفتار زیست محیطی به شهروندان خود ارائه دهد و آن‌ها را در این زمینه توانمند نماید قادر خواهد بود اثرات منفی زیست محیطی توسعه را به حداقل رسانده و زمینه فرهنگ‌سازی زیست محیطی را برای شهروندان خود فراهم نمایند.



## منابع

- برنل، پ. و ویکی ر. 1396. مسائل جهان سوم: مطالعه سیاست در جهان در حال توسعه، ترجمه احمد ساعی و سعید میرترابی، تهران، نشر قومس
- ضیاءپور، آ.، کیانی پور، ن. و نیکبخت، م. 1391. «تحلیل جامعه‌شناختی محیط‌زیست و رفتار افراد نسبت به آن در مناطق روستایی و شهری استان کرمانشاه»، فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، 2: 55-67.
- عباس‌زاده، م.، علوی، ل.، بنی فاطمه، ح. و علیزاده اقدم، م. ب. 1395. مدل یابی ساختاری تاثیر تجربه زیست محیطی و نگرش زیست محیطی بر رفتار زیست محیطی، فصلنامه علوم اجتماعی، 1: 171-196.
- یزدخواستی، ب.، حاجیلو، ف. و علیزاده اقدم، م. ب. 1392. بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی بوم‌شناختی با ردپای بوم‌شناختی مورد مطالعه: شهرستان تبریز، فصلنامه اخلاق زیستی، 8: 101-130.
- علیزاده، س. و بیات، م. 1395. بررسی اثر حکمرانی خوب بر محیط زیست در کشورهای با درآمد متوسط، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، 18(2): 501-513.
- لشکری زاده، م. و اشرفی، م. ع. 1390. بررسی اثر حکمرانی خوب بر کیفیت زیست محیطی در کشورهای در حال توسعه، اولین همایش بین المللی مدیریت گردشگری و توسعه پایدار، محل برگزاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- Linton, R., 1963. Acculturation in Seven American Indian Tribes, Peter Smith Pub Inc.
- Dhaoui, I. 2019. Good governance for sustainable development. university Library of Munich, Germany.
- Schumacher, I., 2015. The endogenous formation of an environmental culture. *European Economic Review*, 76, 200-221.
- Rashid, N. R. N. A., & Mohammad, N., 2012. A discussion of underlying theories explaining the spillover of environmentally friendly behavior phenomenon. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 50, 1061-1072.
- Dunlap, R. E., Van Liere, K. D., Mertig, A. G., & Jones, R. E., 2000. New trends in measuring environmental attitudes: measuring endorsement of the new ecological paradigm: a revised NEP scale. *Journal of social issues*, 56(3), 425-442.
- Salehi, S., 2010. People and the Environment: A Study of Environmental Attitudes and Behaviour in Iran. LAP Lambert Academic Publishing.
- Sahni, P., & Medury, U. 2002. Governance for development: Issues and strategies. PHI Learning Pvt. Ltd..
- Harman, J. 2005. The relationship between good governance and environmental compliance and enforcement. In Proceedings of the International Network for Environmental Compliance and Enforcement, Seventh International Conference, Marrakesh, Morocco (1): 5-13.
- Kabeer, N., & Cook, S. 2000. Editorial Introduction Re-visioning Social Policy in the South Challenges and Concepts. *IDS Bulletin*, 31(4), 1-10.
- Licht, A. N., Goldschmidt, C., & Schwartz, S. H. 2007. Culture rules: The foundations of the rule of law and other norms of governance. *Journal of comparative economics*, 35(4), 659-688.
- UNEP. 2009. Environmental governance. <http://www.unep.org/pdf/brochures/EnvironmentalGovernance.pdf> [Accessed on 28/10/2013].
- Wingqvist, G. Ö., Drakenberg, O., Slunge, D., Sjöstedt, M., & Ekblom, A. 2012. The role of governance for improved environmental outcomes: Perspectives for developing countries and countries in transition. *Naturvårdsverket*.
- Kakonge, J. O. 1998. EIA and good governance: issues and lessons from Africa. *Environmental impact assessment review*, 18(3), 289-305.



Gisselquist, R. M. 2012. Good governance as a concept, and why this matters for development policy (No. 2012/30). WIDER Working Paper.

OECD. 2005. Governance in China. OECD publication.

Belbase, N. 2010. Environmental Good Governance in the Future Constitution of Nepal. IUCN Policy Brief. Kathmandu, Nepal: IUCN Nepal. [http://cmsdata.iucn.org/downloads/environmental\\_good\\_governance\\_in\\_the\\_future\\_constitution\\_of\\_nepal.pdf](http://cmsdata.iucn.org/downloads/environmental_good_governance_in_the_future_constitution_of_nepal.pdf).

McTavish, M. J., Basiliko, N., & Sackett, T. E. 2013. Environmental factors influencing immigration behaviour of the invasive earthworm *Lumbricus terrestris*. Canadian journal of zoology, 91(12), 859-865.

Bennett, N. J., & Satterfield, T. 2018. Environmental governance: A practical framework to guide design, evaluation, and analysis. Conservation Letters, 11(6), e12600.

Armitage, D., de Loë, R., & Plummer, R. 2012. Environmental governance and its implications for conservation practice. Conservation Letters, 5, 245– 255.

Lockwood, M., Davidson, J., Curtis, A., Stratford, E., & Griffith, R. 2010. Governance principles for natural resource management. Society and Natural Resources, 23, 986– 1001.

Ostrom, E. 1999. Coping with tragedies of the commons. Annual Review of Political Science, 2, 493– 535.